

معرفی تفسیر مصبح الهادی

جلد اول

تفسیر سوره حمد و بقره (آیات ۱-۱۲۱)

تقریر درس های تفسیری

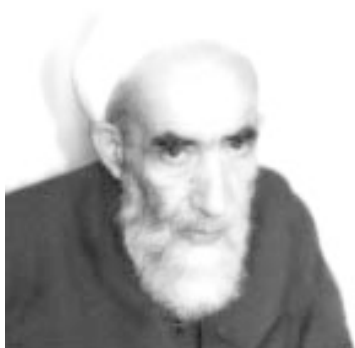
آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره)

به قلم: دکتر محمد باقر نوراللهیان

مقدمه: علامه حکیمی

تحقیق: سید مهدی حسینی مجاهد

مجموعه آثار هاشم بزرگداشت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی ۷



المصباح

جلد اول

تفسیر سوره حمد، بقره (آیات ۱-۱۲۶)

مفسر ربانی آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی

مقدمه: علامه حکیمی



محمد عبداللهیان

آسمان مکتب تشیع همواره به فروغ ستارگان درخشان علم و معرفت مزین بوده است و در دامن خویش دانشمندان بزرگی را پرودانده است، که همگی پرچم «کلمة الله هی العلیا» به دست داشته اند و پیغام سرخوشی و طراوت را برای دیگران به ارمغان آورده اند و گام نهادن در این راه را منحصر به پیروی از قرآن و عترت اعلام داشته اند. از این دست انجم پرنور، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) است که مفسری گران سنگ و فقیهی عالی قدر بود و در سلوک الی الله قدم راسخ داشت. آن بزرگوار در حوزه علمیة مشهد حدود دو دوره، قرآن کریم را تفسیر و تدریس کردند. و اکنون آن درس های تفسیری تحت عنوان «تفسیر مصباح الهدی» که توسط جناب آقای دکتر محمد باقر نوراللهیان تقریر گردیده است به پیشگاه علاقه مندان به معارف قرآن کریم عرضه می گردد.

کوشش فراوان حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سید مهدی حسینی مجاهد موجب آن گشت که این اثر نفیس با تحقیق و تنظیم نوین احیاء و عرضه گردد و منابع آن استخراج شود و متن تفسیر به صورت استوار با سجاوندی دقیق درآید. این مجموعه به دو صورت به پیشگاه قرآن پژوهان عرضه و منتشر شده است، نخست در مجموعه آفاق نور جلد ۷ و ۸ سپس به طور جداگانه تحت عنوان تفسیر «مصباح الهدی»

جلد ۱ و ۲ انتشار یافته است، و با توجه به اینکه این دو جلد تنها دو جزء از قرآن کریم را تفسیر می‌کند امید است که بقیه تفسیر از سوی بزرگان و علاقمندان به مرحوم میرزا احیاء و منتشر گردد.

و جای خوشبختی و مسرت است که «دفتر فرهنگی مفاخر خراسان» به مناسبت بیستمین سال ارتحال آیه الله میرزا (ره) جهت نکوداشت آن بزرگوار همایشی را برگزار کرد که تفسیر «مصباح الهدی» در آن رونمایی و تقدیم فضلا گردید.

بنابراین لازم است جهت معرفی «تفسیر مصباح الهدی» نگاهی هر چند کوتاه داشته باشیم به: شخصیت علمی استاد آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی، زندگی نامه علمی مقرر، چگونگی و مراحل احیاء و تحقیق این اثر و ویژگی های تفسیر مصباح الهدی.

۱- شخصیت علمی استاد

آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) به سال ۱۲۸۳ چشم به جهان گشود و در خانواده ای متدین و متشخص پرورش یافت و به سلک طلبگی درآمد. او پس از عزیمت به نجف به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. ایشان علم حکمت و فلسفه را از مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی آملی فراگرفت و سپس در سال ۱۳۱۲ به مشهد تشریف آوردند و در جوار قدس رضوی رحل اقامت افکندند و در آنجا از تعالیم علمی و عملی مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی بهره های فراوانی بردند. از سال ۱۳۲۵ شمسی پس از رحلت مرحوم اصفهانی تا سال ۱۳۶۸ کرسی دار دروس فقه و اصول و معارف اسلامی و تفسیر بود. مرحوم استاد توفیق یافت دو دوره تفسیر قرآن را برای عموم بیان کند و نیز توانست، معارف اسلامی و اعتقادات را که با خمیر مایه مکتب تفکیک همراه بود با کمال اقتدار تدریس نماید. البته تدریس معارف دینی از سایر بخش ها و رشته های درسی ایشان نمود بیشتری داشت. شاگردان بسیاری را نیز پروراند.

مدح و ستایش اخلاق فردی و اجتماعی و خودسازی و دوری از هوی و هوس آن استاد بزرگوار بر زبان همگان جاری بود، که هر گاه کسی با ایشان اندک معاشرتی داشت، زبان به مدح و تمجید از کمالات معنوی و ارجمند آن بزرگ مرد می گشود و از انبوه اخلاص ایشان یاد می کرد.

البته حضرت استاد آن طور نبود که تنها به سازندگی خود بپردازد و از اهتمام به امور مسلمین دور باشد و یا غفلت ورزد، بلکه ایشان در فعالیت‌های اجتماعی و رسیدگی به امور مردم پیشگام بودند. به حدی که سایر افراد در فعالیت‌های اجتماعی خویش نگاهشان به عملکرد ایشان بود. تا بدان جا که برنامه‌های ملی و مذهبی و سیاسی و حرکت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه در مشهد در قبضه نگاه و عمل خالصانه این تجسم تقوا و فضیلت بود. در زمینه تألیفات، آن بزرگوار بر اساس نیاز سنجی جامعه، آثار گوناگونی از خود به یادگار گذاشت. برخی دیگر از آثار ایشان هنوز گرد انزوا به چهره دارند که همت بلند می‌طلبد تا به چرخه چاپ و نشر وارد شوند.

آنچه یادآور شدیم نگاهی گذرا به زندگی نامه علمی آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) بود که به تفصیل همراه با خاطرات و بیان فضایل و کمالات معنوی آن بزرگوار در آغاز جلد اول «مصباح الهدی» و نیز در ابتدای جلد ۷ آفاق نور آمده است.

۲- زندگی علمی مقرر درس تفسیر

دکتر محمدباقر نورالهیان در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در جوار مرقد مطهر حضرت رضاع) در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود و در خانواده‌ای پاک، مؤمن و معتقد، در محدوده ضوابط مقدس شریعت محمدی رشد کرد و در سنین جوانی جذب کمالات آیه الله میرزا مهدی اصفهانی (ره) گردید و علم کلام را از محضر ایشان فرا گرفت و ظرفیت فکری و اعتقادی وی بر این اساس پایه گذاری شد و این اندیشه را بعد از مرحوم میرزای اصفهانی در محضر آیه الله مروارید (ره) و آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) استحکام بخشید و به این لحاظ او از معتقدان به «مکتب تفکیک» اصطلاحی به شمار می‌آید. ایشان در طول مراد بعد از مرحوم میرزا مهدی اصفهانی بیشتر تحت تأثیر جذبه اخلاقی و مرامی میرزا جواد آقا تهرانی قرار گرفت و از اصحاب خاص و محرم اسرار معظم له به حساب می‌آمد و مقرر دو دوره درس تفسیر ایشان بود.

آقای دکتر نورالهیان به درس‌های حوزه علاقه فراوان داشت، لذا برای فراگیری درس‌های اصول و فقه به صورت مستمر در محضر درس آیه الله حاج سید عزالدین حسینی زنجانی (دام ظلّه) و آیه الله حاج شیخ علی آقایی فلسفی (ره) حضور پیدا می‌کرد و بعد از

اتمام درس‌ها برای طبابت به مطب خود می‌رفت .

آقای دکتر ابتدا هم زمان با تحصیلات دانشگاهی به استخدام رسمی اداره پست و تلگراف مشهد در آمد و تا فرارسیدن دوران باز نشستگی به کار ادامه داد . ایشان تحصیلات دانشگاهی را در رشته پزشکی در دانشکده پزشکی مشهد به اتمام رسانید و پس از اخذ دکترای عمومی در شهر مشهد به حرفه مقدس طبابت مشغول شد که هدف ایشان از طبابت صرفاً خدمت خدا پسندانه به مردم بود ، خصوصاً مردم کم بضاعت و طلاب حوزه علمیه . از افراد کم درآمد و فقیر حق طبابت در یافت نمی‌کرد و به لحاظ تعهد ، خوش نامی و صداقت در کار و حرفه پزشکی و استحکام دینی ، ایشان به عنوان طبیب معتمد بانک ملی و اداره پست و تلگراف معرفی شد .

در نظر کسانی که مرتب در درس میرزا شرکت می‌کردند این مطلب کاملاً روشن است که جناب آقای دکتر نوراللهیان بسان یک طلبه مخلص و سخت کوش ، در طلب معارف اهل بیت تلاش می‌کردند . ایشان نه فقط در درس شرکت می‌کردند ، بلکه می‌توان گفت که در برگزاری این درس مهم و کم نظیر در حوزه مشهد هم سهمی بسزا داشتند ، چرا که : درس تفسیر آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) ساعت هفت صبح آغاز می‌شد و جناب آقای دکتر نوراللهیان با وسیله شخصی خود استاد را از منزل به محل درس ، یعنی مدرسه میرزا جعفر در صحن عتیق حرم حضرت رضاع^(ع) می‌آورد که این کار خود قابل تحسین است که روزانه به طور منظم در اول وقت صبح استاد را به درس برساند ؛ خود اینجانب مشاهده کردم که در زمستان بیش از ۳۵ سال قبل ، برفی سنگین باریده بود ، یخ بندان سختی هم بود و در صبح بسیار سرد استاد همراه دکتر از بست پایین خیابان با قامتی خمیده و عصایی در دست برای درس تشریف می‌آوردند .

۳- درباره احیای تفسیر مصباح الهدی

چنان که گفته شد تفسیر مصباح الهدی مجموعه درس‌های تفسیری آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) است که به همت دانشمند فرهیخته جناب آقای دکتر محمد باقر نوراللهیان (دام عزه) تقریر و نگاشته شده است ، که لازم است در باب مراحل احیاء این اثر نکاتی را که محقق گرامی جناب آقای حسینی مجاهد در آن باب نگاشته‌اند ، یادآور شویم :

یک: جناب آقای دکتر محمد باقر نوراللهیان دو دوره درس تفسیر استاد را تقریر کرده‌اند؛ البته در ثبت و تحریر آن، ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی دیده می‌شود و جناب آقای دکتر در جلسه‌ای که خدمت ایشان رسیده بودم - برای دریافت نوشتار همین اثر - به بنده گفتند که من قبلاً کارمند ادارهٔ مخابرات بوده‌ام و با خط مورس آشنا هستم و حافظه‌ای قوی داشتم و ذهنی متمرکز، که تلگراف ارسالی را در ذهن خود مرور و یادداشت می‌کردم و در همان حال، جواب ارباب رجوع را هم می‌دادم، بدون آن که از تلگرافی که یادداشت و دریافت می‌کردم، چیزی کم یا زیاد کنم؛ من ابتدا ادعای ایشان را به سختی باور کردم، ولی با آشنایی قبلی که با تفسیر مرحوم استاد داشتم، [چون مدتی در درس شرکت می‌کردم] پس از مطالعه و دقت در نوشتار آقای دکتر، به تصدیق واقعیت ادعای ایشان پی بردم. که به حق ایشان کمال دقت را در رساندن مطالب حضرت استاد به کار برده‌اند؛ امید است که در آینده نیز کلیهٔ درس‌های تفسیر استاد بررسی و چاپ گردد.

دو: چهار دفتر اول درس‌های تفسیر، که به صورت دو جلد کتاب تحت عنوان «تفسیر مصباح الهدی»، نشر و چاپ می‌شود، ویژگی خاص و ممتازی دارد و آن این که؛ آقای دکتر پس از جمع بندی و سامان دهی این اثر آن را خدمت مرحوم استاد داده است و ایشان این اثر را دیده و تصحیح کرده‌اند که بنده این را در نوشتار در حین تحقیق، شاهد بودم، بعضی جاها را مرحوم استاد خط زده و حذف کرده‌اند و بعضی جاها با خط خودشان بر مطالب چیزهایی افزوده‌اند که حکایت از بازبینی و ویراستاری ایشان دارد و جناب آقای دکتر در اوقات تعطیلی درس، مطالب این تفسیر را در حضور استاد می‌خواندند و با نظر استاد اصلاح می‌شد. چهار دفتر اول که اکنون به صورت دو جلد تفسیر منتشر می‌شود به همین روال و شیوه بازخوانی و نگارش یافته است و آنچه امتیاز مهم این دفترها محسوب می‌شود این است که حضرت استاد در نهایت به آقای دکتر فرموده‌اند و آقای دکتر در حاشیهٔ آن دفاتر هم از قول استاد نگاشته‌اند که: «این نوشتار قابل انتشار است».

سه: مراحل احیای تفسیر

(۱) برگردان خط: خط آقای دکتر به روشنی قابل قرائت نبود؛ خصوصاً برای تایپ کردن. لذا کل نوشتار اثر موجود بادقت فراوان باز نویسی شده است. این کار با زحمات نسبتاً چشم گیری روبرو بوده است خصوصاً با چندین نوبت باز نگری، تا چیزی از قلم نیفتاده باشد و مراعات حفظ امانت در آن کاملاً لحاظ شده باشد.

(۲) شیوه نگارش: نگارش این اثر به سبک محاوره‌ای است، نه نوشتاری؛ زیرا این اثر تقریر درس تفسیر استاد بوده است و از طرفی آقای دکتر در خصوص کم یا زیاد کردن الفاظ عبارات، حساسیتی ویژه از خود نشان می‌دادند و مرتب یادآوری می‌کردند که در نوشتار دخل و تصرفی نشود و این شرط بسیار دشواری بود که دست ما را کاملاً بسته بود، از اینکه بتوانیم متن تفسیر را به سبک نوشتاری تغییر دهیم؛ لذا با توجه به حفظ امانت، سعی شده که با به کارگیری علائم سجاوندی و در بعضی موارد توضیحاتی داخل کروشه [] تا اندازه‌ای از ابهام عبارت‌ها کاسته شود و به سبک تقریباً درخور فهم و روانی در آید.

(۳) مستند روایات: در این تفسیر بهره‌مندی از روایات بسیار است، چون حضرت استاد سعی دارند تمام مطالب را در حد امکان، مستند به روایات بیان کنند و از طرفی ایشان در نقل روایات غالباً به ترجمه آنها بدون نقل سند بسنده کرده‌اند. [البته آنچه بیان شد حکایت از متن موجود می‌کند که در اختیار است. لکن محتمل است که حضرت استاد مستند روایت را بیان می‌کرده‌اند، ولی آقای دکتر سندها را ثبت نکرده باشند] که این روش مستند سازی را دشوار می‌کند؛ زیرا سعی ما برآن بوده است که روایت، مستند به منابع اولیه و معتبر باشد. و از طرف دیگر روایات با الفاظ گوناگون در منابع ثبت شده است و مستند کردن ترجمه روایت به منابع اولیه، آن هم به روایتی که الفاظ آن با ترجمه استاد هماهنگ و یکنواخت باشد، کار ساده نیست. در عین حال همه تلاش خود را برای عرضه کاری متقن و در حد قابلیت استناد آن به حضرت استاد، رضوان الله تعالی علیه، به کار گرفته‌ایم. اما هرگز ادعا نداریم که این کار از همه جهات بی نقص و عیب باشد؛ زیرا هیچ کاری از انسان که دارای نسیان و خطاست، مبرا از نقص و عیب نخواهد بود. به این لحاظ از همه عزیزانی که این تفسیر را مطالعه خواهند کرد و با نواقصی مواجه خواهند شد

پوزش می‌خواهیم و امیدواریم که خطاهای ما را به دیده اغماض بنگرند و آن را جهت اصلاح نواقص در چاپ‌های بعدی برای ما به نشانی مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع) ارسال نمایند؛ که قطعاً قدردان این اقدام خداپسندانه خواهیم بود و از آن خوشحال هم خواهیم شد.

۴- ویژگی‌های تفسیر مصباح الهدی

در باب امتیازات و مشخصات تفسیر مصباح الهدی و نیز روش تفسیری استاد مطالبی توسط نگارنده آورده شده است که مبسوط و مفصل آن در مقدمه تفسیر مصباح الهدی و نیز در ضمن مقالات کتاب مفسر ربانی توسط این جانب نگاشته شده و در آغاز جلد اول تفسیر و نیز در ابتدای جلد ۷ آفاق نور آمده است.

و از باب این که در این جا لازم است با برخی از امتیازات تفسیر استاد آشنایی حاصل گردد گزیده‌ای از آن مقاله را در اینجا خدمت شما تقدیم می‌دارم و قبل از آن یادآور می‌شوم که این تفسیر شریف مزین است به مقدمه‌ی علامه محمد رضا حکیمی که ایشان با نگاشتن مقدمه عالمانه بر این تفسیر، در نمایاندن ارزش‌های آن گامی مؤثر برداشتند و ایشان اظهار رغبت فراوان، داشتند که بقیه این مجموعه احیاء و نشر یابد که در آن صورت دوره‌ای کامل از تفسیر قرآن کریم بر مبنای «مکتب تفکیک» در اختیار علاقه‌مندان به معارف قرآن قرار خواهد گرفت.

و استاد حکیمی در باب تفسیر مصباح الهدی در آن مقدمه آورده‌اند:

و اما تفسیر «مصباح الهدی»... اثر تقریری آیه الله، میرزا جواد آقا تهرانی... خوانندگان فاضل، در این تفسیر، با یک نمونه از تفسیرهای تفکیکی و مستقل روبرو هستند. مؤلف بزرگوار، بعنوان یک چهره شاخص تفکیکی (پس از شیخ المتألّهین القرآنیین، حضرت شیخ مجتبی قزوینی خراسانی) تفسیر خویش را بر اساس اهداف قرآنی تقریر کرده است، یعنی تزکیه و تعلیم، نه اصطلاح پرانی و مفهوم سرایی... از این جهت خواننده با زلال و حی سیراب می‌شود، و در آفاق «مرسلات» به پرواز در می‌آید.

آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی، یکی از عالمان سخت کوش، در نشر و تعلیم اصول معارفی و مبانی تحلیلی - در جهت نشان دادن جدایی کامل حقایق قرآنی و اوصیایی، از مفاهیم فلسفی و عرفانی - بودند، که پس از استاد خویش، حضرت میرزای اصفهانی (مؤسس بزرگ اساس معارف استقلال‌لی قرآنی، و پی‌نهنده شناخت‌های اوصیائی، و دعوت‌گر به توحید حق محمدی)، به وجهی مستمر و شایسته و متعهدانه و مسئولیت‌پذیرانه، به کار سترگ خویش دست یازیدند، و در این عرصه، فاضلانی چند تربیت کردند، و کتاب‌هایی ارجمند، و آگاهی‌بخش به رشته تألیف درآوردند. ایشان در کتاب بسیار سودمند و تحلیلی خویش، «میزان المطالب»، برای جداسازی افکار و اوهام زمینی از حقایق آسمانی، میزانی استوار به دست دادند، و در کتاب «عارف و صوفی چه می‌گویند»، به نقد علمی عرفان و تصوف پرداختند، و مهارت خود را در این مباحث نشان دادند.

نیز هنگامی که هنوز حوزه علمیه قم، به خطر افکار مارکسیستی و ماتریالیستی توجهی فعال نکرده بود، میرزا جواد آقا تهرانی، کتاب «فلسفه بشری و اسلامی» را تألیف کردند، و در حوزه مشهد مقدس، به تدریس آن، در جمعی پانصد نفری از طلاب پرداختند، و طلاب را در برابر هجوم و تهاجم آن نظرهای مردود و گفته‌های باطل تجهیز کردند.

در تفسیر «مصباح الهدی»، ما با مفسری قرآنی روبرویم که بدون آنکه ما را در افکار و اوهام قرون و اعصار گم کند، به «هذا بیان للناس» می‌رساند، و به «نور» و «بصائر» و «بینات» و «برهان ربانی» هدایت می‌کند.

مزایای تزکیه‌ای و تعلیمی تفسیر «مصباح الهدی»، در مقدمه شناخت‌مندانانه حجة الاسلام، محمد عبداللّه‌یان - از شاگردان آیه الله آقای میرزا، ذکر شده است.

اکنون با توجه به مطالب ارزشمند جناب آقای حکیمی برخی از ویژگی‌های تفسیر

مصباح الهدی را یاد آور می‌شویم.

سطح علمی تفسیر

تفسیر «مصباح الهدی»، از درخشان‌ترین و برجسته‌ترین تفاسیری است که از لحاظ مرتبه علمی در «سطح خارج تفسیر»، بیان شده، است. زیرا استاد، با جامعیتی که در دانش‌های اسلامی و دینی داشتند و سالیان متمادی درس خارج فقه و اصول را در حوزه علمی تدریس می‌کردند، به تدریس تفسیر، می‌پرداختند و با جدیت تمام و احساس وظیفه، بر آن مداومت می‌کردند.

این خصوصیت، از ممتازترین ویژگی‌های این تفسیر، محسوب می‌شود که تمام مطالب و مباحث آن را فرا می‌گیرد و تاروپود و شیرازه اصلی آن را تشکیل می‌دهد. اهمیت این تفسیر از آنجا بهتر آشکار می‌گردد که استاد، در تفسیر برخی آیات، مباحث و عناوین گسترده‌ای را می‌آورد و با این که معلومات و اطلاعاتی انبوه را ذکر می‌کند، تمام آن‌ها را با کمال شایستگی و قدرت با محک برهان، استدلال و نقد و نظر می‌سنجد و هیچ مطلبی را مسلّم و فوق نقد و غیر قابل بحث نمی‌انگارد و از هیچ یک از آن‌ها بدون بررسی نمی‌گذرد. همه سعی خویش را در پژوهیدن حقیقت به کار می‌گیرد. آن‌طور نیست که فقط به نقل اقوال و آرای اندیشوران اکتفا کند و انسان را بدون هدایت و بینش صحیح، حیران و سرگردان رها سازد. بلکه با دقت عالمانه و موشکافی‌های محققانه، به نقد و بررسی آنها می‌پردازد. از این روست که استاد عالی قدر توانسته است با حاکمیت بخشیدن به قدرت اجتهاد و حکم و قضاوت در سرتاسر تفسیر، در موضوعات مختلف، اقوال را طرح کند و رأی خویش را درباره ردّ و قبول هر یک ابراز دارد. با مراجعه به این تفسیر گران سنگ می‌توان دو مطلب اساسی را از شیوه‌های پژوهشی استاد یاد کرد:

(۱). تتبع گسترده: مفسّر عالی مقام، برای این که در بررسی موضوعات هیچ نکته، بحث و مطلبی از قلم نیفتد، به فراهم آوردن گفته‌های مختلف و دیدن تفاسیر گوناگون، با حوصله و استقامت کم نظیری روی آورده و توانسته است با بررسی آرا و انظار و ذکر تمام وجوه ممکن و قابل بحث، نکات و دقایق آیات را آشکار سازد.

(۲). تبعیت از بحث: استاد قبل از بررسی، هیچ عقیده و مطلبی را ثابت نمی‌انگارد

و اظهار رأی نمی‌کند و تنها نتیجهٔ مقبول و عقیدهٔ ثابت را در گرو بحث و بررسی می‌گذارد و خویش را ملزم می‌داند که به دنبال بحث حرکت کند؛ گرچه به ردّ آرای مشهور و پذیرفتن رأی منفرد بینجامد. این شیوهٔ پژوهش، در حقیقت رهیدن از تقلید و پیوند خوردن با اجتهاد مستقل و بررسی آزاد است.

در جای جای این تفسیر گرامی، مطالب نوین، آرای خاص، ابتکارات بسیار و دیدگاه‌های نوین تفسیری مشاهده می‌شود که همهٔ آن‌ها را می‌توان از آثار حتمی و نتایج مسلّم روش اجتهادی مفسّر عالی مقام آن دانست که در پژوهیدن حقیقت، حوصله به کار می‌برد و شجاعانه به ردّ گفته‌های ناصحیح می‌پرداخت و در رسیدن به نتایج تازه و ابراز آن، هیچ‌گونه هراسی به خود راه نمی‌داد. نگاهی هر چند گذرا به این تفسیر، برای اثبات آن کافی است.

چگونگی بهره‌گیری از دانش‌ها

برخی گمان می‌کنند که برای دوری گزیدن از «تفسیر به رأی»، در تفسیر و فهم قرآن کریم نباید به هیچ‌وجه از معلومات و اطلاعات پیشین استفاده کرد و بایستی با ذهنی کاملاً خالی و بدون دخالت دانش‌های گوناگون، به تفسیر قرآن کریم پرداخت. با این دیدگاه، ممکن است به نظر آید که پرداختن به معلومات برگرفته از دانش‌های اجتماعی و علمی امروز در ذیل آیات، نکته‌ای است منفی که به تفسیر به رأی، کشانده خواهد شد. با توجه به این مطلب است که هوشیاری و حساسیت استاد، در سرتاسر این تفسیر، نمایان می‌شود؛ زیرا با اینکه از آن همه اطلاعات و معلومات، برخوردار است و از آنها در تفسیر قرآن بهره می‌گیرد؛ در عین حال، به هیچ‌عنوان گرفتار تفسیر به رأی نگردیده است؛ زیرا تفسیر به رأی، آن است که انسان، عقیده و فکر و نظری را انتخاب کند و آیات الهی را به عنوان تأیید برای آن بیاورد که در حقیقت، رأی و نظر خویش را بر قرآن تحمیل کند. این به کلی متفاوت است با کسی که با داشتن معلومات بسیار، در پی این است که رأی و نظر و دیدگاه و بینش قرآن را به دست آورد و هیچ‌گونه تحمیل و داوری و قضاوتی را ابراز نمی‌دارد. به عبارتی دیگر، استفاده از معلومات و اطلاعات ذهنی، در برخورد با قرآن، بر دو گونه است:

اول: در مسائل و مشکلات با استفاده از دانش های گوناگون به اعتقاد و رأی ثابت رسیده است و درصدد است با تطبیق دادن آیات با فکر خویش، توجیه و تأییدی از قرآن، برای آن بیاورد که این، مصداق کامل تفسیر به رأی است.

دوم: با کمک دانش ها، مسائل و مطالب زیادی را دریافته است و با همراه داشتن زمینه های فکری و سؤال های بسیار، به قرآن مراجعه می کند تا پاسخ و جواب قطعی را از خود قرآن و بیان وارثان علم قرآن دریابد.

بهره گیری از معلومات در این راستا، نه تنها مضر نیست و مصداق تفسیر به رأی نمی باشد، بلکه چون در آن، هیچ گونه قضاوت و داوری و اعتقاد از قبل نمی باشد، صحیح ترین روش برخورد با قرآن است. زیرا قرآن برای تمام زمان ها و مکان هاست و انسان در هر زمان و مکان، با مسائل و مشکلات ویژه ای مواجه می باشد که باید برای حل نهایی و پاسخ قطعی آن، به قرآن مراجعه کند.

بالا تر این که یکی از وظایف مهم مؤمنین نسبت به قرآن، «استنطاق» و به سخن در آوردن قرآن کریم است که قرآن، زبان بگشاید و برای انسان سخن بگوید و بدون داشتن سؤال در زمینه های فکری، قرآن به هیچ وجه با انسان سخن نمی گوید و باید شخص بداند سؤال چیست تا پاسخ آن را از قرآن دریابد. از این روست که داشتن اطلاعات و معلومات، در بهتر فهمیدن قرآن، ضرورت پیدا می کند؛ زیرا هر فردی که در زمینه های اجتماعی و اعتقادی، معلوماتی بیشتر همراه داشته باشد، از گفتارهای قرآن، بهتر و افزون تر می تواند بهره مند گردد و شخصی که دارای فکر بسته و محدود است، از قرآن استفاده بسیار محدود خواهد برد.

این حقیقت، نکته ظریفی است که استاد، آن را کاملاً دریافته و راه لغزنده ای است که او توانسته است با سعه صدر و هوشیاری کامل، به سلامت، آن را طی کند. لازم است در این جا رویکرد افراطی دیگری به علوم را - که سالیانی رواج داشت - به اختصار یاد کنیم و نیز مشی استاد را در آن زمینه، یادآور شویم.

در رویکرد به مطالب علمی و کشفیات جدید و علوم روز، نگرشی افراطی وجود داشت که پیروان آن، سعی داشتند از آیات و روایات، برای مطالب و علوم جدید، شاهد و

دلیل بیاورند و برای حَقَّانیت قرآن کریم، استدلال کنند به کشفیات علوم که آن را ۱۴۰۰ سال قبل، قرآن گفته است. اینان می‌خواستند از این راه، اعجاز علمی قرآن کریم را اثبات کنند که شاید چند دهه این رویکرد، بر مفسران مسلمان نوگرا غالب بود. کتاب‌ها و تفاسیری بر این مبنا نگاشته شد که در واقع آن‌ها قرآن کریم را کتابی می‌دانستند که تمام علوم و معلومات تجربی نیز در آن وجود دارد.

البته اکنون این روش، مردود شناخته شده؛ زیرا لازمه چنین روشی، آن است که با تغییرات علوم یا با ثابت شدن بطلان فرضیه‌های علمی، معارف قرآنی نیز دچار تزلزل شود. پس صحیح نیست که قرآن را به دنبال مطالبی که پیوسته در تغییر است، حرکت دهیم. این یک حرکت افراطی در علم‌گرایی و تفسیر علمی قرآن کریم بود.

در این میان، درس تفسیر استاد، ویژگی خاصی داشت. ایشان در درس تفسیر، از اطلاعات و معلومات بشری، بسیار شاهد می‌آوردند و از آن استفاده می‌کردند، بدون این که آیات را به دنبال فرضیه‌های غیر مسلم بکشانند؛ بلکه ایشان، استفاده از معلومات را در سه جهت مهم می‌دانستند:

اول: این معلومات، لطایف و ظرایف به کار برده شده در آیات را به ما نشان می‌دهد.
دوم: از آن جایی که استاد، یکی از راه‌های شناخت خداوند را از دیدگاه قرآن، مشاهده آیات الهی در جهان و انسان می‌دانستند، علوم روز را ابزاری مؤثر برای تحقق این مهم می‌دانستند که با آن دانش‌ها می‌توان عظمت خلقت و قدرت بی‌نهایت خالق را دریافت و از این راه، بر معرفت و شناخت خود از خداوند افزود. اساساً برای همین است که در آیاتی بسیار، انسان‌ها را امر می‌کنند که به مطالعه آیات و زمین و آسمان، وجود و خلقت انسان بپردازند. پس در مکتب استاد، از علوم روز، در نشان دادن ظرایف و دقایق خلقت استفاده شده است.

سوم: علوم و اطلاعات اجتماعی، پرسش‌هایی را در برابر انسان قرار می‌دهد که پاسخ آنها را از قرآن دریافت دارد، همان‌گونه که یاد شد.

دانش و بینش

استاد از مسائل اخلاقی و اعتقادی، فقهی و اصولی، علوم قرآنی و تفسیری، اطلاع درخور داشت و از شبهات و اشکالات هر موضوع، به خوبی آگاه بود. محتوای غنی درس و پاسخ‌های محققانه و دقیق استاد، از معلومات انبوه و گوناگون آن بزرگوار، حکایت داشت. ایشان بر قدیمی‌ترین تا جدیدترین شبهات اعتقادی و کلامی، اشراف کامل داشت و آنها را در بحث به میان می‌آورد و با کمال قدرت و بدون واهمه، به همه این شبهات، پاسخی قانع‌کننده می‌داد و به نقد و بررسی آنها می‌پرداخت.

بار علمی و محتوای غنی درس، آن‌چنان از رتبه بالایی برخوردار بود که شرکت‌کنندگان در درس را با کوله‌باری از معلومات لازم، قرین می‌ساخت؛ به گونه‌ای که آنان از آسیب هجمه شبهات در امان می‌ماندند و خود را مصون از گمراهی احساس می‌کردند و دیگر تند باد حوادث، آنان را تکان نمی‌داد و همواره در مسیر هدایت و حرکت الهی، سرشار از علم و دانش و باطراوت و نشاط بودند.

بنابراین، درس استاد، هیچ‌گونه زواید و حرفهای کم‌محتوا و لفاظی‌های بی‌وجه نداشت و این همه بدان جهت بود که آن بزرگوار، عمر شریف خویش را صرف پژوهش و تدریس و تألیف در زمینه‌های دینی کرده بود و در این راه، سابقه‌ای طولانی داشت. در عین حال، استاد از درس خویش، هدف مهم‌تری را نیز در نظر داشت و در راستای آن، کوشش‌های بسیاری را مبذول می‌داشت و آن هدف و مقصد که همواره مدتظر ایشان بود، ایجاد تغییر بینش در اندیشه مخاطبان بود. استاد همواره با کلمات خویش و آوردن روایات و آیات قرآنی، درصدد بود ارزش‌های غیر خدایی را از روح و دل و جان آدمی بزداید و نگرش الهی و قرآنی را جایگزین آنها سازد که در حقیقت، این تغییر بنیادی در بینش، همان وظیفه و رسالت اصلی پیامبران است. پیامبران آمدند تا نگرش انسان را اصلاح کنند؛ عقل‌ها را هدایت و از هوی و هوس دور گردانند:

۱. «قد جاءكم بصائر من ربكم» (انعام: ۱۰۴)؛ «ولقد آتينا موسى الكتاب من بعدما اهلكنا القرون الاولى بصائر للناس وهدى ورحمة لعلهم يتذكرون» (قصص: ۴۳)؛ «قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني و سبحان الله و ما انا من المشركين» (يوسف: ۱۰۸)

آیات مذکور، به روشنی بیانگر این حقیقت هستند که مهم ترین ارمان پیامبران برای مردم، «بصیرت» بوده است. یعنی همان عاملی که موجب تنویر افکار انسان‌ها و پیدایش بینش نو در آن‌ها می‌گردد.

استاد نیز در ادامه راه پیامبران، تغییر بینش را هدف خود می‌دانست و آن را با کمال جدیت تعقیب می‌کرد. به همین جهت شرکت کنندگان در درس، پس از مدتی در می‌یافتند که روحیه، آرزو، آرمان و طرز نگرش و بینش آنان تغییر کرده است و ارزش‌های الهی جایگزین همه برداشته‌های ناصحیح شده است. در این جا از باب مشابهت، به یاد خاطره‌ای از حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) افتادم که برخی بزرگان، از قول ایشان در باب مجد و عظمت حضرت آية الله العظمی بروجردی و درس فقه ایشان آورده‌اند که فرمودند: درس آقای بروجردی به گونه‌ای است که پس از مدتی که انسان در آن شرکت می‌کند، ناگهان و بدون اینکه خود توجه داشته باشد، یک نوع بینش فقهی در خود می‌یابد و احساس می‌کند که توان استنباط و اجتهاد پیدا کرده است.

درس تفسیر آية الله میرزا جواد آقا تهرانی نیز در تغییر روحیه انسان، از چنین خصیصه‌ای برخوردار بود که شخص، پس از مدتی شرکت در درس و ممارست، احساس می‌کرد روحیه اش عوض شده و موهومات ذهنی او درهم ریخته و رنگ باخته و حقایقی برای او آشکار شده و بر دل نشست است.

این دستاورد عظیم، یکی از برترین فواید درس تفسیر آية الله میرزا و بزرگ ترین موهبت الهی بود که نصیب شرکت کنندگان در درس می‌گردید و همین یافتن بینش صحیح، موجب دل‌گرمی و شرکت مداوم آنان در درس می‌شد.

وظیفه مفسر

مرحوم استاد، برای مفسر قرآن کریم، دو وظیفه اصلی و مهم، قائل هستند: یکی این که مفسر، مطالعه و بررسی کند که آیه برای چه منظوری نازل شده است؛ یعنی روی مقصد آیات شریفه قرآن کریم مطالعه کند. چون آیات قرآن که نازل شده‌اند یک منشأ داشته‌اند و یک هدفی را تعقیب می‌کنند و ما عموماً روی مقصد آیات، مطالعه نمی‌کنیم.

البته روی منشأ آیات، مطالعات گسترده‌ای شده است. مثلاً سبب نزول، شأن نزول، اسباب نزول، یعنی همان رویداد یا حادثه‌ای که باعث شده این آیه یا آیات، درباره آن واقعه نازل شود و در این باره ده‌ها کتاب مستقل و صدها بحث درباره شأن نزول در ضمن کتاب‌های علوم قرآنی و هزاران مطلب شأن نزول در ضمن تفسیرها آمده است.

سعی بلیغ آن بزرگوار در شیوه‌ای که برای تفسیر آیات، ماهرانه و با کمال دقت به کار می‌بستند، بر این بود که مقصد و مقصود هر آیه را بیان کنند و البته برای کشف و اعمال این روش، زحمات بسیاری را متحمل می‌شدند. در حقیقت، این انگیزه اصلی درس تفسیر مرحوم استاد بود که به طور نامحسوس، همگان را با مقاصد آیات، آشنا می‌ساختند.

وظیفه دوم مفسر از دیدگاه استاد، کوشش برای تجسم یافتن و عملی شدن آیات قرآن کریم است. در آن فضای اول که - فرد به عنوان مفسر کار می‌کند - یک کار علمی و تحقیقی بی‌دردسر و بی‌رنج و غصه است و وقتی کار پایان می‌یابد، هم خود مفسر، خوشحال است و هم مخاطبانش خرسند از این که چیزی از کلام خدا را فهمیده‌اند.

ولی در فضای دوم، از ابتدا، فضای احساس مسئولیت و احساس تعهد در کار، حکم فرماست که مفسر، با بیان خود و بیان آیات دیگر و شواهد تاریخی از زندگی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) تلاش می‌کند که این محتوا مجسم شود و حتی ممکن است به میدان درگیری و مجاهده کشیده شود. این جاست که مفسر از فضای کار آکادمیکی بیرون آمده و وارد عرصه کار هدایتی و سازندگی می‌شود.

در واقع مرحوم استاد، بر این باور بودند که قرآن، برای اهدافی معین نازل شده است و خواست خداوند تبارک و تعالی و رسول مکرمش، این است که انسان‌ها به اهداف مد نظر آیات شریفه قرآن نائل شوند. در نتیجه، هدف مفسر نمی‌تواند غیر از هدف قرآن باشد و باید یک نوع هماهنگی و همسویی میان مفسر و قرآن کریم ایجاد شود، صحیح نیست که آیات قرآن، مطلبی را بیان کنند ولی مفسر آن مطلب را نشان ندهد یا کوشش در راه اتّصاف افراد، به اهداف آیات قرآن نکند. بنابر این، لازم است یک نوع هماهنگی و تجانس در هدف، بین قرآن کریم و مفسر قرآن وجود داشته باشد.

مرحوم استاد این راه را مسیر صحیح تفسیر قرآن و پیمودن آن را وظیفه مفسر می‌دانستند.

ایشان، منحرف شدن از این راه را نوعی ضلالت قلمداد می‌کردند که به علت عدم توجه کافی به قرآن و عترت، دامن گیر امت اسلامی شده و صدها سال است که عمده حرکت تفسیر در همان مسیر قرار دارد. در تاریخ اسلام، مصیبت جدا کردن قرآن از عترت، همه این محرومیت‌ها را در پی داشت که علی‌رغم همه زحمت‌های فراوانی که برای تفسیر قرآن کریم کشیده شده است، چون سیر حرکت از خط و جهت راستین و حقیقی خودش خارج شد، سبب پیدایش انحراف در مسیر تفسیر گشت.

اگر کوشش‌ها و مجاهدت‌ها درباره قرآن، روی خط اصلی و صحیح خودش، یعنی همان اصل جاودانه اتصال ابدی قرآن و عترت به یکدیگر انجام می‌شد، خدا می‌داند که چه کشف‌های عظیمی از آیات نورانی قرآن، حاصل می‌شد و چه مطالب راه‌گشا و هدایتگری، امروز در دسترس بشریت قرار می‌گرفت.

کسانی که در درس تفسیر مرحوم استاد، حاضر می‌شدند، شاهد بودند که هدف و مقصد آیات، به روشنی در درس تبیین می‌شد و استاد، با موعظه و بیانات تاریخی از زندگی امامان معصوم (ع)، شاگردان را متنبه و متصف به صفات الهی و قرآنی می‌گرداند. بنابراین، مفسر حقیقی، کسی است که خود، عارف به حقایق قرآن باشد و بتواند دیگران را به حقایق و معارف آیات نورانی قرآن کریم، متخلّق و متصف گرداند.

هدایتگری و انسان‌سازی

برجستگی درس‌های تفسیری استاد - چنانکه اشاره کردیم - در هدایتگری و سازندگی آنها بود.

استاد، یک سری اصطلاحات خشک علمی و بی‌روح، ارائه نمی‌داد. بلکه به گونه‌ای درس را عرضه می‌داشت که ویژگی سازندگی و معنویت داشتن، وجه غالب آن بود. بسیاری از شرکت‌کنندگان را بعد معنوی درس، جذب و علاقه‌مند کرده بود. عاشقان معرفت‌الله، سیر و سلوک، قرب به حق، پروانه‌وار گرد استاد می‌چرخیدند تا با تفسیر دل‌نشین ایشان، واصل به حق، بر نردبان معنی بالا روند و بال بگشایند و در آسمان معنی به پرواز در آیند.

بدنه اصلی درس را اینان تشکیل می دادند؛ آنان که دردمند بودند و در طلب درمان. این سازندگی از دو منبع، سرچشمه می گرفت:

(۱). شخصیت معنوی و چهره ملکوتی حضرت استاد - که هاله ای از نور، زهد، معنویت و یاد خدا آن را احاطه کرده بود -، به محفل درس، حالت روحانی می بخشید. ایشان انسانی زاهد، متقی و دائم در حال مراقبت و مجاهدت بود. دیدن ایشان، انسان را به یاد خداوند بزرگ می انداخت. مصاحبت با حضرت استاد، تأثیر معنوی بسزایی بر روح و جان آدمی می گذاشت و هم نشینی با ایشان، این مطلب را در دل می نشانده که: دنیا، جاه و مقام، ثنا و مدح، مال و مکنه، همه غفلت آفرین، پایین تر از منزلت انسان و بی ارزش هستند، و این باور را در دل زنده می کرد که انسان می باید ارزش را در تقوا، قرب و رضوان الله، بیداری و نماز شب، شوق و رغبت به آخرت جستجو کند و بیابد.

براستی ایشان، با دوری از ریا، خودنمایی، مریدداری و ظاهرسازی، اخلاص را در وجود خود، متبلور ساخته بود و می توان گفت استاد را سرّی و حقیقتی به خداوند پیوند داده بود؛ زیرا بین حقیقت و ادعا، اخلاص و ریا، فاصله ای بسیار است و ایشان، بدون ادعا و ریا با اخلاص و حقیقت به بندگی خداوند اشتغال داشت. از این رو، با وارد شدن استاد به مجلس درس و آشکار شدن آن چهره زهد و تقوا، حالت معنوی بر حاضران مجلس، مستولی گشته، قلب ها و احوال را دگرگون می کرد، و اثر معنوی خویش را در خیل مشتاقان می گذاشت.

(۲). عنایت استاد، بر این بود که تفسیر آیات را همراه با تذکرات و مواعظ اخلاقی، بیان کند. از این رو زبان استاد، تنها زبان علم و دانش نبود؛ بلکه زبان اخلاق و عبادت و سلوک نیز بود و به لحاظ این که استاد خود در معنویت غرق و از آن، بهره ها برده بودند، بیانات و مواعظ های اخلاقی و معنوی ایشان آثار سازنده و فوق العاده ای در جان ها باقی می گذاشت و تا مدت ها نصایح آن بزرگوار، افراد را تحت تأثیر قرار می داد.

از این رو، با توجه به این ویژگی، درس و بیان مرحوم آیه الله میرزا، تنها تفسیر نبود؛ تربیت، اخلاق و سیر و سلوک بود. در این دنیای غفلت آفرین، هشدار بود. ظلمت ها را می زدود و نوید روشنایی می داد. عالم های جدیدی به روی انسان می گشود و ارزش ها را

فراروی انسان می نهاد. درجات بهشت و درکات جهنم را می نمود. جاودانگی انسان و فنای دنیا را یادآور می شد. توسل به ائمه (ع) را رکن سلوک می دانست. ماندن را مرگ و هجرت را حیات می دانست. محبت و عشق را در دل، جای می داد. درد فراق را تازه می کرد و فریاد آن را بلند. رسم وفاداری می آموخت. لذت بندگی را می گفت. چهره کریه انسان ناسپاس را می نمود. مناجات بی واسطه را هدف می دانست. از کشش و جذب و کمال انقطاع، سخن می گفت و از زیارت و دیدار پروردگار. و این همه را استاد با روشنی، یقین، حقیقت و مهربانی می گفت و برجان می نشست.

مجموع ویژگی های درس تفسیر استاد، با توجه به این آیه شریفه تکمیل می شود:

«لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفى ضلال مبين» (آل عمران، ۳/۱۶۴)

آیه کریمه، چهار وظیفه و مسئولیت برای پیامبر (ص)، بیان فرموده است:

۱. تلاوت آیات (آیات قرآن، نظام هستی، آفاقی و انفسی)؛

۲. تزکیه (پیراستن، آراستن، قرب، رضوان، لقا و رشد و کمال)؛

۳. تعلیم کتاب (آموزش محتوا و حقایق قرآن کریم)؛

۴. تعلیم حکمت (آموزش معارف الهی از مبدأ تا معاد، فقط از طریق وحی).

اینک، می توان دریافت که محفل بابرکت درس تفسیر مرحوم آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی، به لحاظ اشتغال به تلاوت آیات، سازندگی و هدایت، آموزش محتوای قرآن کریم و معارف الهی و...، مصداق واضح این آیه شریفه بود.